

اهمیت آب و نقش آن در منازعات ملل منطقه

اهمیت آب و نقش حیاتی آن در زندگی انسان و حیوان و نبات و محیط زیست آنقدر روشن است که حاجت به دلیل و برهانی ندارد. با وجود پیشرفت های شگفت آوری که در زمینه های مختلف حیات بشر صورت گرفته است. آب همچنان اهمیت خود را به عنوان منبع اصلی تامین انرژی و نیز تولید کشاورزی حفظ کرده است، به همین دلیل برخی از دانشمندان معتقدانند که آب دلیل اصلی، اما پنهانی بسیاری از منازعات سیاسی در منطقه را تشکیل میدهد. ظاهر آچنین به نظر میرسد که آب در روی کره زمین نسبت به جمعیت انسانها زیاد است، ولی باید دانست که آب های بحر شور و برای شرب و کشاورزی بدون فلتر کاری بامصارف گزاف غیر قابل بهره برداری است. و تنها آب شیرین همان آبهای برف و بارانهایی است که از کوه هاسرازیر میگردند و توسط نهرها و رودخانه های طبیعی بگریان می افتند و در امور آبیاری زمین هابرای کشاورزی و آشامیدن بکار میرود. و این مقدار در مقایسه با تمام آبهای سطح زمین به بیش از سه در صد نمیرسد، اما همین سه درصد آب در ایام تابستان در برخی از کشورها که مقدار بارندگی سالانه در آن ها کم است، سبب بروز مشکلات ملی و بین المللی میگردد و در چنین وضع و شرایطی خطر بروز جنگ ها پیش می آید.

دانشمند معاصر امریکائی «مایکل تی. کلار» در مجله مسایل بین المللی زیر نام «جغرافیای نوین منازعه» مقالتی مهم (می، جون ۲۰۰۱) نوشته آقای خلیل زمر آنرا ترجمه و در مجله معتبر فردا بچاپ رسانده است. در این مقاله نویسنده، پس از بحث بر تغییر استراتژی امریکا در مناطق قابل رقابت بر سر منابع حیاتی چون گاز و نفت، به مردم جهان اینطور اخطار میدهد: مناطق مشخص منازعه بالقوه بالای ثروتهای طبیعی بطور روزافزون کسب اهمیت میکند. فشار ناشی از میکانیسم عرضه و تقاضا، موازی با افزایش نفوس و توسعه فعالیت اقتصادی در بسیاری از مناطق جهان، اشتباهی دسترسی برای مواد حیاتی را نسبت به آنچه طبیعت توصیه میکند، بیشتر ساخته است. بنابراین با تقلیل حاد مواد حیاتی، رقابت برای دسترسی به منابع باقیمانده آن نیز بشدت رشد خواهد کرد. و فشار بالای عرضه و تقاضا، موازی با افزایش بیشتر افزایش می یابد. بر طبق تخمین وزارت انرژی ایالات متحده امریکا توقع می رود که مصرف پترول در جهان که روزانه ۷۷ میلیون بشکه در سال ۲۰۰۰ بود، به ۱۱۰ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۰ که یک افزایش ۴۳ درصدی نشان میدهد، بلندبرود. هرگاه این تخمین درست باشد، جهان از همین اکنون تا سال ۲۰۲۰ جمعاً به اندازه ۶۷۰ بلیون بشکه نفت مصرف خواهد کرد که این مقدار دوسوم ذخایر نفت شناخته شده جهان را تشکیل میدهد. البته تا آن زمان ذخایر جدیدی کشف خواهد شد و تکنالوژی امکانات دسترسی به منابع جدید را که اکنون غیر قابل دسترسی اندمانند مناطق دور افتاده در شمال سایبریایو در عمق بحران تاتیک را به ما اجازه خواهد داد، اما تولید نفت هنوز نمیتواند با تقاضای روبه افزایش موجود هم آهنگ باشد. (فردا، شماره ۲۳، ص ۷)

نویسنده مقاله در مورد اهمیت آب نیز مکتب کرده مینویسد: «شرایط آب نیز در جهان چندان امید بخش نیست. آبهای راکه از برف و باران بدست می آوریم هرگاه تجدید نشوند، مقدار قابل تعویض آن محدود میشود. در حال حاضر ما نیمی از این آبها را برای نوشیدن، شستشو، تولید غذا، صنایع، ترانسپورت و غیره استفاده میکنیم و ضرورت بر عرضه اضافی آب همه روزه افزایش می یابد. هم اکنون بسیاری از ساحات شرق میانه از کمبود من آب رنج میکشد و کشورهای که در این ساحات قرار دارند تخمین میکنند که در ۲۵ سال آینده که نفوس جهان افزایش می یابد و مردم بیشتر در مناطق شهری مسکن گزین میگردند، مشکلات شان از ناحیه کمبود آب دوچندان خواهد شد. بجز از زمین های که در روی کره زمین از مقدار کافی آب برخوردارند، در سایر مناطق تا سال ۲۰۵۰ که تقاضا برای آب به ۱۰۰ فیصد عرضه موجود آب نزدیک میشود، میتواند رقابت شدیدی را برای دسترسی به این ماده حیاتی بطور عام افزایش دهد. گرایش های محیطی مانند گرم شدن کره زمین بر بسیاری از منابع آب و زمین های قابل آبیاری تاثیر میگذارد. همچنان بلندرفتن درجه گرمای زمین باعث بارندگی زیاد در مناطق نزدیک به بحر خواهد شد. بنابراین احتمالاً که

در نتیجه وضعیت فوق الذکر بسیاری از ساحات مهم تحت زراع یا مناطق دورتر از بحر تبدیل به صحرا شده و با بالا آمدن آب در سواحل، سطح ابحار جهان را در مناطق نزدیک به این سواحل بلند خواهد برد... عرضه آب نیز با تهدید مشابه (رقابت) مواجه هست، زیرا بسیاری از منابع مهم آب در شرق میانه و آسیایین دویا بیشتر از دو کشور تقسیم میشود و مهم اینست که تعداد کثیری از این دولت ها درباره تقسیم آب به توافق قابل قبول رسیده اند. سودان و مصر درباره تقسیم آب رودخانه نیل در سال ۱۹۹۵ به توافق رسیدند، اما این توافق بی ثبات بود، زیرا برای حبشه و سایر کشورهاییکه به آب این رودخانه وابسته اند عرضه آب را کاهش میدهد. عراق و سوریه در مورد سهم شان از آب رودخانه فرات به نتیجه رسیده اند، اما این رودخانه که از ترکیه سرچشمه میگردد، ترکیه حاضر نیست تا معاهده تقسیم آب را با آنها امضاء کند. اسرائیل با سوریه و اردن در مورد استفاده از آب رودخانه های اردن مناقشه دارد. یگانه توافق دوامدار و اساسی بین هند و پاکستان در مورد تقسیم آب رود سند است که حتی همین توافق هم در گرو ثبات روابط دو کشور قرار دارد. به همان پیمانها یکیه نفوس جهان افزایش می یابد و در اثر پدیده گرین هوس، هوای جهان گرم شده میرود، به همان پیمانها منازعات بین المللی اینجا و آنجا نیز در مورد عرضه موجوده منابع مذکور از دید می یابد... هنگامی که درباره آب سخن میرود مانند نفت و گاز پای امنیت ملی در میان کشیده میشود. باری «موه هارت» دومین صدراعظم اسرائیل گفته بود که: «آب برای اسرائیل یک چیز لوکس یا فقط یک خواست سودمند که باید به منابع طبیعی ما علاوه شود نیست، آب خودش حیات است.» پطروس غالی در هنگامی که وزیر خارجه مصر بود، با عین لهجه در سال ۱۹۸۸ ادعا نمود که: «جنگ آینده در منطقه ما جنگ بالای آب نیل خواهد بود نه بالای سیاست.» همچنان برخی از کشورهای تهدید کرده اند که آنها کنترل شانرا بر عرضه آب بمثابة یک وسیله اجبار قایل خواهند نمود. مثلاً ترکرت اورزال رئیس جمهور ترکیه در سال ۱۹۸۹ سوریه را اخطار داد که هرگاه آن کشور به فعالیت گردها در قلمرو خود خاتمه ندهد، حکومت ترکیه جریان آب رودخانه فرات را بر روی سوریه خواهد بست. هکذا باید گفت که جنگ سال ۱۹۶۷ در شرق میانه، استعمال قوه برای حل مناقشه بر سر آب بود، زیرا دولت های عرب پلان داشتند که مسیر آب رودخانه اردن را از اطراف اسرائیل به سمت اردن تغییر دهند که کاری بود ناممکن. بدین ترتیب فشار روز افزون بالای ذخایر حیاتی و هکذا نبودن قراردادهای تقسیم آنها در آینده تصادمات را بیشتر خلق خواهد نمود.

نویسنده در پایان مقاله اش مینویسد که: «تحلیلی از گرایش منابع جهانی و پدیده های سیاسی و جغرافیائی مرتبط با آنها یک زره بین نیرومند را برای سیاست مداران آماده میکند که به کمک آن میتوانند مسایل بزرگ سیاسی و امنیتی جهان را تنظیم نمایند، مثلاً حکومتها باید در راه کمک مالی بیشتر به تحقیقات بخاطر انکشاف مواد سوخت و سیستم ترانسپورتی همین بخشها، تلاش بزرگ به خرج دهند. بر علاوه تأمین عرضه متوازن آب مستلزم صرف پول بیشتر برای تکنیک های نمک زدائی و آبیاری موثر زمین های بیشتر بخاطر تولید غله است. مساعی برای مذاکره بالای ایجاد رژیم بین المللی جهت حفظ و حراست جنگل های استوائی نیز ایجاب کمک مالی بیشتر را میکند. اما تلاش ها باید توسط ابتکارات چندین جانبه به منظور کاهش خطر نزاع های قهرآمیز بر سر استفاده و تقسیم منابع حیاتی مورد مناقشه همراه گردد. مثلاً جامعه جهانی برای حل صلح آمیز منازعه بالای حاکمیت و انکشاف منابع ساحلی بحیره کسپین و بحیره جنوبی چین بر دولت های ساحلی این دوحیره فشار وارد نماید. سازمانها و موسسات بین المللی نیز میتوانند برای حل مناقشه مشابه در اطراف خلیج فارس، بحیره سرخ و خلیج گینی کمک نمایند. در عین حال برای جامعه جهانی ضروریست تا دولت های همسرحدا رودخانه نیل، رودخانه اردن و دجله و فرات را تشویق نمایند تا برای ایجاد یک رژیم مشترک تقسیم آب این رودخانه ها باهم به مذاکره بنشینند.» (فردا، شماره ۲۳، سپتمبر - اکتوبر ۲۰۰۲)

اهمیت آب در افغانستان

در کشور ما که سرسبزی و شادابی آن به سخاوت طبیعت بستگی دارد، آب از اهمیت سرنوشت سازی برخوردار است. زیرا که حیات ۹۰ درصد مردم مابه زراعت، باغداری و مالداری بسته است. و این هر سه بخش منوط به وفور آب است و در صورت فقدان آب ریشه زندگی در این کشور میخشد. خشکسالیهای متواتر سالهای ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ چنان ضربات خردکننده و خسارات جبران ناپذیری بر پیکر اقتصاد زراعتی و محیط زیست افغانستان وارد نمود که تمام باغات و تاکستانهای مردم از ریشه سوختند و ده ها هزار گاو

وگوسفند واسپ و شتر از تشنگی و یا فقدان علوفه تلف شدند. صدها هزار خانوار دهقان و مالدار کوچی و غیر کوچی کشور خاکستر نشین شدند. نرخ مواد خواربار و از جمله گوشت و میوه جات و سبزیجات بطور سرسام آوری بلند رفت، چنانکه خانواده های بی بضاعت در طول یکسال حتی یک بار هم توان خرید یک کیلو گوشت را نداشتند. در طی همین سالها برخی از مردم حاضر میشدند تا کودکان خود را در بدل یک بوجی آرد (که قیمت آن به سیصد هزار افغانی رسیده بود) بفروشند و یا استثنایی در اختیار کسانی بگذارند که توان نگهداری آن کودک را داشتند. لهذا زندگی انسان و حیوان و نبات و در مجموع آبادانی و عمران و تمدن با آب، پیوندگسست ناپذیر دارد. و بدون آب نه تمدنی ممکنست شکل بگیرد و نه تولیدی صورت ببندد. از همین رو هر جا که آب شیرین است آثار تمدن و اثر انسان متمدن دیده میشود، چه انسانها همواره در کنار دریاچه ها و رودخانه ها به ایجاد تمدن دست یازیده اند و آثاری از خود برجای گذاشته اند.

در افغانستان بیش از سه چهارم ساحه آن را کوه های سر بفلک کشیده ای تشکیل میدهند که از ۳ تا ۶ هزار متر از سطح بحر بلندی دارند. کوه های هندوکش در وسط کشور با طول شش صد کیلو متر و بلندی سه تا پنج هزار متر واقع شده که از دره هریرود در غرب کشور بسوی شرق تا سطح مرتفع پامیر ادامه می یابد. سلسله کوه های سلیمان و سفید کوه از شمال شرق کشور بسوی جنوب تا حوزه سند و بلوچستان امتداد یافته است که بیش از ششصد کیلو متر طول دارد. کوه های سلیمان و سفید کوه مسطور از جنگلات انبوه است که دارای ذخایر مهم در ختان صنوبر و کاج و منبع بزرگ درآمد مردم محل است. اما سلسله کوه های هندوکش از سیاه کوه در بخش غربی تا پامیر در انتها الیه شرقی، فاقد هرگونه پوشش گیاهی است، ولی دارای یخچالهای بزرگی است که منابع دائمی آب رودخانه های افغانستان می باشد. این رودخانه ها در حوزه غرب و جنوب غرب عبارتند از: رودخانه هیرمند، رودخانه هریرود، رودخانه فراه، رودخانه هاروت، خاشرود، رودخانه غزنی، رودخانه ترنگ، رودخانه ارغنداب. و رودخانه های حوزه شمال چون: رودخانه آمو، رودخانه کوکچه، رودخانه پنج، رودخانه تالقان، رودخانه قندز، رودخانه سمنگان، رودخانه بنگی قلعه، رودخانه پنجشیر، و رودخانه کابل، و در حوزه شرقی از سلسله کوه های سپینغر (سفیدکوه) رودخانه کمر و رودخانه کامه، رودخانه توچی، رودخانه گومل، سرخ رود و غیره رودخانه های خورد و کوچک سرچشمه میگیرند که آب اکثر این رودخانه ها به علت فقدان سربندهای اساسی و هدایت آن بر اراضی قابل کشت در داخل کشور، سرانجام در کشورهای همسایه چون ازبکستان، ترکمنستان، ایران و پاکستان میریزند و آن کشورها از آب های که طبیعت آنها به مردم افغانستان سخاوتمندانه ارزانی داشته، در تولید انرژی و امور کشاورزی و مصرف نوشیدن مردم از آن کار میگیرند. بدون آنکه به افغانستان به عنوان صاحب اصلی این ثروت طبیعی یک دینار پول بپردازند.

محقق افغانی آقای نجیب فهیم در فصلنامه میهن (که در مشهد ایران به نشر میرسد) مقالتهی بسیار جالبی پیرامون آب و نقش آن به عنوان کالای استراتژیک در قرن ۲۱، به چاپ رسانده که میشود گفت، یکی از بهترین مقالات آن فصلنامه است، بخصوص نکاتی که پیرامون رودخانه هریرود ارائه داده است خیلی دلچسپ و مهم جلوه میکند و بنابراین با اعتماد به اصل مقاله به بازتاب نکاتی از آن در اینجا مبادرت میشود: «... علی الرغم آنکه سه چهارم کره زمین رآب پوشانیده است، آب شیرین دوفیصداب های موجود را تشکیل میدهد که توزیع آن هم بستگی به موقعیت طبیعی و پیچیده بودن تکنولوژی و هزینه های بالای آن، طرح عملی و مقرون به صرفه نمیشود. لذا اهمیت آب شیرین در توسعه و همچنین در زندگی روزمره روبه فزونی بوده و سهم آن در منازعات منطقه ای هم در حال بیشتر شدن است. به همین سبب مهار آب های سطحی و انتقال آن به مناطق کم آب و بهره برداری درست از آب های زیرزمینی و حفاظت از منابع آبی یا به تعبیر دیگر مدیریت صحیح منابع آب از محورهای اصلی توسعه در کشورهای توسعه نیافته می باشد. با نگاهی گذرا به منابع آبی کشور عزیز ما افغانستان درمی یابیم که منابع آبی ما عمدتاً از طریق بارندگی های فصلی تغذیه و تامین میشود. این نزولات آسمانی عمدتاً در مناطق مرتفع کوهستانی به شکل برف فرود آمده و ذخایر برفی و یخچال های کوهستانی را تشکیل میدهد. با فرارسیدن فصل بهار و گرم شدن هوا، این ذخیره های برفی آب شده و در رودخانه ها جریان می یابند، لذا به موازات جریان آب رودخانه ها زندگی هم سیلان داشته و به تدریج مناطق مسکونی و شهرها درکناره های این رودخانه و حوزه های آبی شکل گرفته اند.

کشور ما که بعلت اشغال (هجومها)ی خارجی و وقوع جنگ های طولانی در ردیف کشورهای کمتر توسعه

یافته جهان قرار گرفته است، تا بحال (بحدبایسته وکافی) نتوانسته از منابع آبی خوددر جهت تامین نیازمندیهای داخلی بهره برداری نماید. طوریکه طغیان فصلی آب در بهار و اوایل تابستان به سیل های ویرانگرتبدیل شده و باعث تخریب مناطق مسکونی و اراضی مجاور رودخانه ها میگردد، ولی در اواخر تابستان و فصل پائیز که بارندگی ها کم شده و ذخایر برفی و یخچالها هم آب میشوند، کمبود آب در بسی مناطق بیک بحران عمده و اساسی مبدل میشود.» (میهن ، شماره ۳۴، ص ۶۸)

آقای فهیم سپس، منابع آبی افغانستان را با در نظر داشت جغرافیای طبیعی و موقعیت کوه های آن به سه حوزه آبی ذیل تقسیم نموده مینویسد:

۱- حوزه آبی پامیر و شمال هندوکش،

2- حوزه آبی جنوب هندوکش و سفیدکوه،

۳- حوزه آبی هیلمند و هریرود.

درحوزه آبی پامیر و شمال هندوکش ، آمودریا قرار دارد که شاخه های فرعی آن را دریای کوچک ، فرخار، بنگی و ایبک تشکیل میدهد. دریای آمو و شاخه های فرعی آن از پامیرخورد و شمال هندوکش سرچشمه گرفته و پس از طی مسافت ۲۵۴۰ کیلومتر به دریاچه ارال سرازیر میشود. اهمیت سیاسی آمو دریا در آن است که بطول ۱۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک میان افغانستان و جمهوری های تازه به استقلال رسیده تاجکستان و ازبکستان و ترکمنستان در آسیای میانه را تشکیل میدهد. [باید در همینجا اشاره کرد که در این مقاله همه جا از رودخانه های کشور به عنوان دریا تذکر رفته که منظور نویسنده همانا رودخانه است ، نه دریا به معنی واقعی کلمه] از لحاظ اقتصادی باوجودیکه در این حوزه آبی از دریا های فرخار، بنگی، خینجان و سمنگان بیشترین بهره برداری در ولایات تخار، کندز، بغلان و سمنگان صورت گرفته و رونق زراعت در آن مناطق ، از برکات آنها به حساب می آید، ولی از دریای کوچک و آمو افغانستان بعلت آنکه این رودخانه های پائین تر از سطح اراضی ایکه در دوساحل آنها قرار گرفته اند واقع شده است ، تا به حال کمترین بهره برداری را نموده است. طوریکه مردم اکثر قریه جات در فاصله های نزدیک به آنها مصداق ضرب المثل «آب در کوزه و ما تشنه لبان میگردیم» واقع شده اند و قادر نیستند آب آشامیدنی مورد نیاز خود را از این آب های موج تأمین نمایند. این درحالی است که افغانستان میتواند سالانه ۳۱ میلیارد مترمکعب آب از دریای آمور داشت نماید.

درحوزه آبی جنوب هندوکش و سفیدکوه دریاها (رودخانه های): چون پنجشیر، کابل، لوگر، غلجشنگ، وکنر [وکامه] قرار گرفته اند. این دریاها از دامنه های جنوبی هندوکش ورشته کوه های بابا و سفیدکوه سرچشمه گرفته و پس از طی مسافتی تقریباً ۴۶۰ کیلومتر در داخل خاک افغانستان وارد خاک پاکستان شده و نهایتاً در دریای سندمیریزند.

باوجود آنکه جهت استحصال برق سدهایی همچون نغلو، ماهی پر، سروبی و درونته بالای دریای کابل احداث شده، ولی باز هم بهره برداری اقتصادی در صنعت و زراعت از آب های این حوزه آبی اندک بوده و اضافه آب آن پس از آبیاری مناطق وسیعی در ایالت صوبه سرحد وارد دریای سند در خاک پاکستان میشود. **در حوزه آبی سوم (هلمند و هریرود):** دریا های متعددی در جریان میباشند که این دریاها عمدتاً از دامنه های کوه بابا در مناطق مرکزی کشور سرچشمه میگیرند. در این حوزه آبی هم استفاده از آب دریای آن به تناسب نیاز های محیطی محدود بوده و این آبها بدون استفاده پس از طی مسافت نسبتاً طولانی در خاک افغانستان، وارد کشور ایران شده و مناطق وسیعی را در استانهای سیستان و بلوچستان و خراسان آنکشور آبیاری مینمایند.

هلمند و هریرود مهمترین دریا (رودخانه) های میباشند که درین حوزه آبی در جریان هستند که مادر اینجا بنا بر اهمیت سیاسی و اقتصادی آنها هر یکی را بصورت جداگانه و بصورت مختصر مورد بررسی قرار میدهم.

۱- هلمند (هیرمند):

یکی از بزرگترین دریا های افغانستان بوده که از ارتفاعات کوه بابا (واقع در شصت کیلومتری غرب کابل) سرچشمه گرفته و در میان اراضی کوهستانی بطرف جنوب و جنوب غرب کشور جریان دارد. این دریا با عبور از نزدیکی گرشک و اراضی مسطح و هموار گردیده و بارسیدن به قلعه تاریخی بست مسیر خود

را به سمت (جنوب) و سپس بسمت غرب (وبعداز حدکمال خان) بسوی شمال تغییر میدهد. دریای هلمندبا ۱۴۰۰۰ کیلومترطول بزرگترین رودخانه داخلی کشوربوده که در دوطرف شمال و جنوب آن دشت های پهناورمارگو و دشت زره و گود زره قراردارد.... درقسمت خوابگاه دریای هلمندبه دوشاخه تقسیم میگرددکه یک شاخه آن بطرف شمال وشاخه دیگر آن بطرف شمال غرب جریان می یابد. شاخه شمالی آن که قسمتی ازمرزمیان افغانستان وایران را تشکیل میدهد، پس از آنکه چخانسور(نیمروز) راآبیاری مینماید به دریاچه هامون میریزد.شاخه دومی آن که بطرف شمال غرب جریان دارد، وارد ایران شده و درچاه نیمه های زابل ذخیره میشود. بارش بارانهای فصلی و آب شدن ذخیره های برفی ارتفاعات(مرکزی) در اواخر زمستان و اوایل بهارباعث طغیان آب دردریای هلمندشده که بعضاً باعث ویرانی هایی درولایت نیمروز افغانستان میگردد، ولی درفصل های تابستان و پائیزآب این دریا به تدریج کم شده ودرقسمت های پائین آن خشک میشود.بروز خشکسالی های متواتردراواخر دهه چهل و خشک شدن دریای هلمند دولت ایران را برآن داشت تا باستفاده از مشاوره های تخصصی جاپانیها، برای کاستن دامنه زینهای ناشی از شرایط اقلیمی و استفاده مناسب از آب دریای هلمند، این آب رادر گودالهای طبیعی (مصنوعی درست است) که درکنار مرزبا کشورما ایجادشده، هدایت نموده و ذخیره سازی نماید. این ذخیره گاه های (مصنوعی) درایران تحت عنوان چاه نیمه های زابل یاد میشود. خشک سالی های سالهای اخیرکه کاهش شدید آب دریای هلمند را به همراه داشت ، دولت مردان ایران رامتوجه ناکافی بودن آب ذخیره شده درچاه نیمه های سه گانه قبلی ساخته و برآن داشت که طرح احداث چاه نیمه چهارم را با ظرفیت ذخیره سازی هشتصد میلیون مترمکعب آب در دستور کارخود قراردهند.برای احداث چاه نیمه چهارم درمجاورت چاه نیمه های قبلی (که همگی با صرف میلیونها دلاراحداث شده اند) مبلغ هشتاد میلیون دلارپول به مصرف رسیده وکار احداث آن دراوایل سال ۱۳۸۳ شمسی به پایان رسید. طرح احداث خط لوله ۱۹۲ کیلومتری (آب برای شهریک میلیون جمعیتی زاهدان) از پروژه های مهم دیگری بودکه جهت انتقال آب ذخیره شده ازدریای هلمند درچاه نیمه ها به شهرزاهدان درسال ۱۳۸۳ به بهره برداری سپرده شد.

آقای فهیم می افزاید: «قراراست که آب انتقال شده توسط این خط لوله ۳۷ میلیون مترمکعب نیاز های آبی (هشتصد هزارنفر) از ساکنان شهرزاهدان مرکز استان سیستان وبلوچستان رادرسال تامین نماید- برای اجرای این پروژه هم مبلغی درحدود ۷۵ میلیون دالر بمصرف رسیده است. بنابراین ضرورت حفظ تعادل ایکولوژیک درمنطقه شرق ایران که زیستگاه بعضی از انواع نادر حیوانات اهلی وپرنده گان بوده ورستگاه بعضی از گیاهان کمیاب میباشدو هم چنین نیاز حیاتی بیشتر از یک میلیون نفر ازساکنان سیستان وبلوچستان که حتی سفره های آب زیرزمینی آن هم شورو غیر قابل استفاده میباشد. به آب دریای هلمندسبب شده است که چگونگی بهره برداری از آب این دریا- بیک موضوع حساس استراتژیک در روابط دوکشورتبدیل شود.»

دراینجا باید یادآورشوم که این طرح یعنی تهیه آب موردنیاز شهرزاهدان با جمعیت تخمین یک میلیونی آن از ذخیره های آب هلمند، برخلاف مواد موافقتنامه تقسیم آب هلمند میان ایران وافغانستان است ، زیرا درهیچ ماده یا مواد آن افغانستان تعهدی به ایران نسپرده تا آب موردنیاز مرکزاستان سیستان و بلوچستان وبخصوص شهرزاهدان را از رودخانه هلمند تهیه کند. اکنون که ایران این طرح را بدون موافقت دولت افغانستان عملی ساخته است ، دولت افغانستان کاملاً حق خواهدداشت تا مقدار آبیکه برای شهرزاهدان هدایت میشود(۳۷میلیون مترمکعب آب) را، از سهمیه آب برای سیستان ایران کم نماید ویا آن را دربدل قیمت مناسب بفروش برساند. براساس معاهده اخیر (مارچ ۱۹۷۳) تقسیم آب رودخانه هلمند، حقایق ایران عبارت است از: «مجموع مقدارآبی که از رودهیرمندرسال نورمال آب ویا سال مافوق نورمال آب ازطرف افغانستان به ایران تحویل داده میشودمنحصراست به اوسط(متوسط) جریان ۲۲ مترمکعب درثانیه طبق جدول شماره ۱۰ راپور کمیسیون دلتای هیرمندمورخ ۲۸ فیروزی ۱۹۵۰ مطابق تقسیمات ماهانه آیکه درستون (۲) جدول مندرج ماده سوم این معاهده ذکرشده ویک مقداراضافی اوسط(متوسط) جریان چارمترمکعب درثانیه متناسب به تقسیمات ماهانه مشمول ستون (۲) جدول مندرج درماده سوم توضیح گردیده وبه سایقه حسن نیت وعلاق برادرانه ازطرف افغانستان به ایران تحویل داده میشود.» یکسال نورمال آب عبارت ازسالی است که مجموع جریان آب از اول اکتوبرتاختم سپتمبرسال مابعد درموضع دستگاه آبشناسی دهاودیر رودهلمند(هیرمند) بالاتر از مدخل بندکجکی چهارمیلیون و پنجصدونودهزار ایکرفیت معادل پنج میلیون وششصد وشصت ویک هزارهفتصدوپانزده مترمکعب اندازه گیری ومحاسبه شده است.

تبصره : جدول تقسیمات جریان ماهانه سال نورمال آب قرار ذیل است :

ایکرفیت	۱۵۴ر۰۰۰	اکتوبر
ایکرفیت	۱۷۲ر۰۰۰	نومبر
ایکرفیت	۱۷۶ر۰۰۰	دسمبر
ایکرفیت	۱۷۸ر۰۰۰	جنوری
ایکرفیت	۲۰۸ر۰۰۰	فبروری
ایکرفیت	۵۹۷ر۰۰۰	مارچ
ایکرفیت	۱ر۱۵۸ر۰۰۰	اپریل
ایکرفیت	۱ر۰۳۳ر۰۰۰	می
ایکرفیت	۴۴۱ر۰۰۰	جون
ایکرفیت	۲۱۱ر۰۰۰	جولای
ایکرفیت	۱۳۷ر۰۰۰	اگست
ایکرفیت	۱۲۵ر۰۰۰	سپتمبر
ایکرفیت	۴- ۵۹۰	مجموع

(رک: سیستان سرزمین ماسه ها و حماسه ها، ج ۴، ص ۲۵۹، از نگارنده ، طبع ۱۳۶۹=۱۹۹۰، اکادمی علوم افغانستان)

هنری ماکماهون در حکمیت خود در ۱۰ اپریل ۱۹۰۵ میلادی در مورد تقسیم آب هیرمند میان ایران و افغانستان گفته بود: « پس از سنجش و پیمایش حجم عادی آب دریای هیرمند در موسم زمستان بصورت واضح ثابت شده است که تنه‌ایک سوم آبی که به بندکمالخان میرسد برای سیستان ایرانی اگر انکشاف هم بکنند کافی است و این مقدار بقدری است که اگر زراعت سیستان ایرانی در آینده توسعه و انکشاف هم بیابد احتیاج مذکور را رفع خواهد نمود. معذا مقدار آب کافی برای احتیاجات سیستان افغانی (نیمروز) باقی میماند.» (دیده شود: کتاب سرگذشت سیستان و رود هیرمند از ۱۸۷۳ تا ۱۹۷۳، صص ۲۶۹- ۲۷۰، از من)

با دقت و تأمل در مواد معاهده ۲۲ حوت ۱۳۵۱ (مارچ ۱۹۷۸) این حقیقت آشکار میشود که این معاهده سراسر به نفع ایران تمام شده است، زیرا از یک رودخانه داخلی افغانستان و آبی که صد درصد در کشور ما فراهم شده دوسوم آن برای ایران در نظر گرفته شده، و یک سوم آن برای افغانستان، در حالیکه افغانستان با داشتن ۲۰ چند حقوق طبیعی و تاریخی ، شاهد صدها هزار ایگر زمین بی آب و بایر خواهد بود. علاوه بر ماه فبروری = دلو (اسفند) که ضرورت به آب به اوج خود میرسد مطابق معاهده اخیر از جمله ۲۰۸ هزار ایکرفیت آب رودخانه هلمند برای ایران ۱۶۲۹۸۰ ایکرفیت آب در نظر گرفته شده است، و برای افغانستان صرف ۴۴۵۲۰ ایکرفیت آب . یعنی در مهمترین وقت زراعت و آبیاری که ماه دلو است برای ایران چهارچند آبی در نظر گرفته شده که در بند کمالخان یعنی دلتای هیرمند وارد میگردد. اگر نپذیریم که هیئت افغانی در تنظیم مواد این معاهده از جانب ایران تطمیع شده باشند، این بی توجهی و بی

مبالاتی نسبت به حقوق طبیعی و ثروت ملی کشور را چگونه میشود تعبیر و تفسیر نمود؟ زیرا رودخانه هیرمند از بندکمالخان ببعد وارد دلتای خود یعنی سیستان میشود و طبیعتاً ایران اگر به آب این رودخانه حق و ادعای داشته باشد، بایستی از اولین نقطه ای که هلمند، مرز مشترک دو کشور را میسازد، (و حتی در صورت ابراز حسن نیت از جایی که هلمند وارد دلتای خود میشود، یعنی از بندکمالخان) می باید در آب رودخانه مستحق پنداشته میشد، مگر بر مبنای قرارداد اخیر تقسیم آب میان ایران و افغانستان (حوت ۱۳۵۱ش) ایران خود را در آبهای ذخیره کجکی و حتی بالاتر از آن یعنی از محل دهر اود به بعد شریک و مستحق میدانند و هر وقتی که بر میزان آب وارده در مرز مشترک یعنی در محل پایه های ۵۱ و ۵۲ مرزی اعتراض داشته باشد، میتواند (بر طبق پروتوکول شماره یک پیوست معاهده) ماموران خود را برای تفتیش مقدار آب رودخانه هیلمند و صورت مصرف آن به داخل افغانستان بفرستد و آنها حق خواهند داشت تا هر مدتی که خواسته باشند دستگاه پیمایش آب را پنجصد کیلومتر بلند تر از دلتای هیرمند، یعنی در منطقه دهر اود، یکصد کیلومتر بالاتر از بند کجکی در مرکز افغانستان مورد تفتیش و کنترل خود قرار بدهند و بعد از بررسی و بر آورد میزان آب در دستگاه آشناسی دهر اود، گزارش مقدار مجموعی آب را به مقامات دولت متبوع خود ارائه کنند. بر اساس این قرارداد، به ایران حق داده شده است تا حقایق خود را بر مبنای آب وارده در دستگاه آشناسی دهر اود با ما محاسبه و آن را از ما مطالبه کند. منظور من اینست تا نشان بدهم که با این قرارداد، افغانستان در استفاده از آب یک رودخانه داخلی خود نمیتواند طور دلخواه بهره برداری نماید، بگذریم از آبی که رودخانه ارغنداب در حد قلعه بست به هیرمند می ریزد و بسوی سیستان سرازیر میگردد. اما ایران نه تنها بحد کافی برای مشروب کردن سیستان از آب رودخانه های داخلی افغانستان بهره میبرد، بلکه حتی یک استان دیگر (زاهدان مرکز بلوچستان) را نیز از آب شیرین سیراب مینماید، بدون آنکه دیناری از این رهگذر برای افغانستان بپردازد!

2- هریرود:

این دریا هم از دامنه های کوه بابا در مناطق مرکزی کشور سرچشمه گرفته و از بهم پیوستن دوشاخه فرعی در منطقه «دولت یار» به وجود می آید. هریرود مسافت طولانی را در داخل ولایت غور طی نموده و با عبور از شهر چغچران مرکز آن ولایت وارد ولایت هرات میشود. هریرود ۱۱۲۴ کیلومتر طول داشته و ۵۶۰ کیلومتر آن در داخل افغانستان جاری است. شصت کیلومتر مرز مشترک میان دو کشور ایران و افغانستان را همین دریا تشکیل میدهد. هریرود سرانجام وارد ترکمنستان شده و در ریگزارهای «قره قوم» دفن میگردد. هرچند ولایت هرات سرسبزی خود را مرهون هریرود میباشد ولی با آنهم، استفاده چندانی از آب این دریا در داخل افغانستان صورت نگرفته و اضافه آب آن جذب ریگستانهای کشورهای همسایه میگردد.

در سالهای اخیر دو کشور همسایه ایران و ترکمنستان - بدون توجه به نیازهای مردم افغانستان به این آب ها بدون نگرانی از این خطر که اگر روزی دولت افغانستان در راه توسعه گام نهاده و مهار آب های سطحی خود را در دستور کار قرار دهد، دیگر آبی باقی نخواهد ماند تا در ریگستانها هدر رفته و یاسد دوستی را پر آب نماید- با هم طرح دوستی ریخته و سدی را بمنظور بهره برداری از آن احداث نمودند. طنز تلخ سیاسی روزگار ما این است، زمانی که این دو همسایه سفره خود را روی آب های ما پهن نموده و منافع آن را میان خود تقسیم نمودند، حتی منباب حق جوار از افغانستان به عنوان ناظر هم دعوت بعمل نیامد. دولتمردان ما هم که به نوبت کرسی قدرت را میان خود دست به دست مینمایند، بدون توجه به پیامدهای زیانبار این اقدام یکجانبه همسایگان، حتی زحمت اعتراضی را هم بخود ندادند و شاید بی اطلاعی از جغرافیای کشور و منافع حیاتی آن سبب این غفلت شده باشد و یا هم تا بحال متوجه نشده اند که کرسی های قدرت تنها امتیاز نیست، مسئولیت هم است و چه مسئولیتی مهم تر از پاسداری مرزها و حفظ منابع طبیعی و حیاتی کشور! سد دولتی با همکاری مشترک دو کشور ترکمنستان و ایران روی آب های هریرود در هفتاد و پنج کیلومتری سرخس احداث گردیده است. هدف احداث این سد آبیاری ۵۰ هزار هکتار از اراضی زراعی دو کشور و تامین ۱۵۰ میلیون متر مکعب آب شرب شهر سه میلیون نفری مشهد میباشد. کاستن خطر سیل و بهبود زیست محیطی منطقه از جمله هدفهای دیگر احداث سد دولتی اعلام شده است. عملیات اجرای ساخت این سد در سال ۱۳۷۹ش (دوره طالبان بعد از کشتن ۹ نفر دیپلمات ایرانی در شهر مزار شریف و اوج اختلاف ایران با طالبان) آغاز و تا اوایل بهار سال ۱۳۸۳ شمسی که آگیری شد، ۸۱ فیصد کارهای اجرائی آن انجام شده است. مصرف اجرای این پروژه ۱۶۸ میلیون دالر محاسبه شده که باید توسط دو کشور بصورت مساوی،

منابع مالی آن تامین گردد. قرار بود این سدسال آینده (۱۳۸۴ش) به بهره برداری برسد، ولی مقامات دوکشور «استخاره را درکارخیر» مصلحت ندانسته واز ترس اینکه میادا دولت مردان افغان از خلسه تاج پوشی های متناوب به خود بیایند! عزم را جزم نموده وبا موافقت یکدیگریکسال زودتر از موعدمقرر آن را به بهره برداری سپردند. آقای فهیم با اشاره بر اهمیت اقتصادی آب می افزاید:

در اینجا برای اینکه اهمیت اقتصادی آب ونقش آن در روابط کشورهای منطقه روشن شود، از افغانستان بیرون رفته وتفاهم نامه ای رامرور میکنیم که دراین اواخرمیان دوکشور ایران وکویت درموردصادرات و انتقال آب به امضا رسیده است. به اساس این تفاهم نامه قراراست که طی یک دوره سی ساله، سالانه ۹۰۰ میلیون مترمکعب آب از سدکرخه ایران به منطقه الزور کویت توسط خط لوله انتقال داده شود. مصارف احداث این خط لوله ۵۴۰ کیلومتر(۱۰۵)میلیارد دالر پیش بینی شده است که توسط هر دو کشور بطور مشترک تامین میشود. صادرات این مقدار آب برای دولت ایران سالانه بیشتر از یک میلیارد دالر درآمد به همراه خواهد داشت.

ضایعات آب دردیگرحوزه های آبی کشور به مراتب بیشتر از حوزه جنوب غرب است، طوریکه که از ۳۱ میلیاردمترمکعب حق آبه آمو دریاسالانه چیزی درحدودسه میلیاردمتر مکعب آب برداشت مینمائیم و آب سد«تربیله» که بزرگترین منبع برق آبی پاکستان را تشکیل میدهد از آب های حوزه شرق افغانستان وبخصوص دریای خروشان کنز تامین میشود.» (فصلنامه میهن، شماره ۳۴ صص ۶۹ - ۷۰) اکنون که از پاکستان ورودخانه کنروکابل سخن به میان آمد بدنیست تا نیت وامتیازطلبی های پاکستان را از افغانستان نیز مرورکنیم :

پاکستان در مقام میراث خوار استعمار:

پاکستان به عنوان میراث خواراستعمار بریتانیا، افزون برصدمات مهلکی که در سه دهه اخیر بر پیکراققتصادی وسیاسی ونظامی ما زده است، اکنون درصددگرفتن امتیازات بیشتری ازمنابع طبیعی بخصوص آب رودخانه کابل ورودخانه های دیگر ولایات شرقی کشور است. پاکستان، یکی ازهمسایه های بدنیستی است که همواره از شرایط بد وبحرانی افغانستان سوء استفاده نموده وهراز گاهی از انگشت افکار آن میگردونیت خود را ابرازمیدارد.درشرایط حضور نیروهای طالبان وگلبدین حکمتیاردر پاکستان وحملات تروریستی آنها برشهرهای هم مرزبان کشور، یک باردیگر به پاکستان این امتیاز را داده است که برافغانستان فشار وارد نماید تا سهم بازم بیشتری از آب رودخانه های داخلی خودبه او بدهد و درپای توافق نامه ای امضا بگذارد که نه از جهت حقوق طبیعی ونه از نظرحسن همجواری ونه از نگاه مناسبات سیاسی چنین حقی برگردن ما دارد. اماپاکستان بخصوص از کودتای سرطان ۱۹۷۳، به بعد این حق را برای خودمحفوظ داشته و محفوظ خواهد داشت تا اگر ازسوی دولت افغانستان نسبت به منافع آن بی توجهی صورت بگیرد، بایک اشاره به افرادی مثل ملاعمرو حکمتیار وغیره افراد خودخواه وبی اعتنا نسبت به منافع ملی، ثبات و امنیت را درافغانستان، به مخاطره اندازد و دولت را در منگنه بگذارد و نیت خود را برمابدون مصرف وپرداخت یک پول تحمیل کند. نیت امتیازطلبی پاکستان زمانی بروز کرد که حملات چریکی طالبان برمواضع ائتلاف بین المللی ضد تروریزم برهبری امریکا درافغانستان از داخل خاک پاکستان شدت یافته بود ونیروهای مرزی پاکستان به بهانه تعقیب ملیشه های طالبان تا چهل کیلومتری بداخل خاک مارخنه کرده بودند. دراین رابطه یکی از هموطنان بنام انجنیر تاج محمدایثار، گزارشی را از روزنامه دیلی تایمز پاکستان (که در تاریخ ۶ جنوری ۲۰۰۵ انتشار یافته است) ترجمه و درسایت آریانی در مارچ ۲۰۰۵ انعکاس داده است. بقول مترجم « روزنامه دیلی تایمز پاکستان نوشت: بانک جهانی موافقت نموده است تا زمینه امضای موافقت نامه آب بین پاکستان و افغانستان را مساعدسازد، امابانک مذکوراز اینکه بجهت تضمین کننده موافقت نامه عمل کند، اباورزیده است. درحالی که بانک جهانی تضمین کننده موافقت نامه آب دریای سندببین پاکستان و هند می باشد.روزنامه از قول یک کارمند عالی رتبه دولت پاکستان مینویسد،بانک جهانی آرزو داردبجهت فراهم آورنده مسوده موافقت نامه نقشی رابازی کند، لیکن ضرورتی نمی بیند تا نقش تضمین کننده را داشته باشد، زیرا این موافقت نامه بین دوکشوردوست ومسلمان صورت میگیرد.کارمند مزبور اشاره کردکه بانک جهانی از یک نمایندگی سازمان ملل متحد تقاضا بعمل آورده است تا ارقامی را روی آب از کرانه های علیای رودخانه ها درافغانستان گردآوری کندکه ارقام مذکوربرای تهیه مسوده موافقت نامه ضروری می باشد. بدین ترتیب کارروی گردآوری ارقام آغازگردیده است. وی گفت که حکومت پاکستان از طریق بانک جهانی با حکومت کابل داخل تماس است. اسلام

آبادوکابل به ضرورت عقد موافقت نامه پی برده اند که روی تقسیم آب رودخانه های کابل، کنر و سایر رودخانه های معاون که داخل خاک پاکستان میشوند، بین شان وجود داشته باشد. بدین منظور حکومت پاکستان بتاريخ نهم سپتامبر ۲۰۰۳، کمیته نه نفری ایجاد کرد. در این کمیته، کمیشنردایمی کمیسیون آب دریای سند در لاهور، بحیث سکرتر آن و اعضای آن عبارت اند:

1. Member Water of WAPDA
2. Director General of Foreign Office for Afghanistan and ECO
3. Jint secretary of Law and Justice Ministry
4. Additional Chief Secretary of NWFP
5. Additional Chief Secretary of Balochistan
6. Chairman of Indus River System Authority

کمیته وظیفه داشت تا مسوده موافقت نامه را در مدت سه ماه تهیه نماید، اما کمیته در بر آوردن این امر ناکام ماند، زیرا که مقامات افغانی در این زمینه همکاری نکردند. اما حال بانک جهانی تهیه مسوده موافقتنامه را بدوش گرفته است. در گزارش مقدماتی کمیته که: سالانه به پیمان ۱۵ میلیون ایگرفت آب از طریق دریای کابل داخل پاکستان میشود. در حال حاضر افغانستان در حدود ۱۵۰۰۰ ایگر زمین را توسط آب دریای کابل آبیاری میکند. اگر حکومت کرزی با پروژه های بندبرق بالای دریا و پروژه آبیاری دریای کامه پیش برود، در آن صورت ۱۴۰۰۰ ایگر زمین دیگر تحت آبیاری قرار خواهد گرفت که در حدود نیم میلیون ایگرفت آب بیشتر مصرف خواهد شد. در راپور گفته شده که کاهش نیم میلیون ایگرفت آب دریای کابل تاثیرات قابل ملاحظه بی بالای سهمیه آب پاکستان خواهد داشت. همچنان در راپور تذکر رفته است که حکومت افغانستان ارقام لازمی را برای تکمیل مسوده موافقت نامه آب تهیه نکرده است. یک مامور عالی رتبه پاکستان میگوید: در گزارش مقدماتی کمیته نه عضوی توصیه شده است که حکومت پاکستان اقداماتی را اتخاذ کند تا معلومات لازمی را از حکومت کابل در مورد پروژه های بزرگی که در آینده در نظر دارد، بدست آورد. علاوه در گزارش آمده است که حکومت صوبه سرحد شمال غرب و حکومت بلوچستان نتوانستند معلومات دقیق مصارف آب را که از دریای های افغانستان بشمول دریای کابل، کنر، توچی و گومل در قلمرو شان سرازیر میشوند، تهیه نمایند.» (سایت آرئیانی هفته اول مارچ ۲۰۰۵)

مترجم در پایان گزارش فوق، تبصره شدیدالحنی به آدرس رهبری دولت موجود بدون ارائه راه عملی مسئله نموده است، مگر به باور این قلم در شرایطی که افغانستان هنوز فاقد اردوی نیرومند ملی و ثبات سیاسی است، و وحدت ملی در آن طی سالهای تجاوز و جنگ های تنظیمی شدیداً صدمه دیده است، و حال یکطرف با دهشت افگنی و تروریسم بنیاد گرایان اسلامی و مافیای مواد مخدر و ازسویی با مداخلات آشکار و پنهان همسایگان مواجه است، و ازجانبی با فقدان امکانات مالی و علمی، توانایی طرح های بزرگ اقتصادی را برای ایجادشغل و رشد سریع کشور در عرصه تولیدات کشاورزی ندارد، من امکان دفاع دولت مردان روی صحنه و پشت صحنه سیاسی افغانستان را در برابر مطالبات و مداخلات همسایگان، چون پاکستان و ایران و ازبکستان تا چندین دهه دیگر بعید می بینم. زیرا تجارب سیاسی سه دهه اخیر در کشور، تمام چهره های ملی و یا غیرملی را بماشناسانده است. از اینست که از شما هموطن ارجمند میپرسم: در میان دولتمردان کنونی و آنهای که در اکتوبر ۲۰۰۴ کاندیدای ریاست جمهوری شده بودند، کدام یک توانایی، کفایت و درایت آنها در صورت رسیدن بر ریاست جمهوری بتواند در برابر ایران بایستد و لا اقل بپرسد که بر اساس کدام تضمین و توافق بین المللی پروژه مشترک استفاده از آب رودخانه داخلی افغانستان هریرود را با ترکمنستان به امضا رسانده اند؟ و اگر همین فردا افغانستان طرح احداث بندیا بندهایی بر رودخانه هریرود در دروایات هرات و غور روی دست بگیرد، تا آب این رودخانه را برای توسعه کشاورزی در هرات و غور، طوری بکار گیرد که یک قطره آب به ایران نرسد، در آن صورت ایران چه کاری خواهد کرد؟ جواب این خواهد بود که آن کشور همراه با ترکمنستان مانع اقدام چنین پروژه های خواهد شد و یا افغانستان رابه جنگ تهدید خواهد نمود.

گذشته از این آیا در میان این جنگسالاران آدمی پیدا خواهد شد تا مانع بهره برداری خودسرانه ایران از آب رودخانه هلمند برای مشروب کردن شهر یک ملیون جمعیتی زاهدان گردد و یا قیمت آب مورد ضرورت شهر زاهدان را (که سالانه ۳۷ میلیون متر مکعب آب سنجش شده) و به بیش از ۴۱ میلیون دالر بالغ میشود، از آن کشور مطالبه نماید؟ و هرگاه همین مبلغ در جهت انکشاف و توسعه وادی های هیرمند، نیمروز و فراه

رودو خاشرود بکار برده شود، بدون تردید ظرف یک یا دو دهه، این سه ولایت به گدام غله کشور تبدیل خواهند شد و نه تنها مایحتاج سایر ولایات را از ناحیه گندم مرفوع خواهند نمود، بلکه برای هزاران خانوار دهقان بی زمین، زمین و آب و مسکن تهیه خواهد کرد.

در وجود کدام یک از این رجال میشود این شهامت ملی و درایت سیاسی راسراغ کرده که بخاطر دفاع از منافع حیاتی مردم افغانستان در برابر امتیاز طلبی های پاکستان شجاعانه بایستد و از امضای موافقت نامه ای امتناع ورزده بر مبنای آن پاکستان میخواید باز هم حق آبه بیشتری از رودخانه های کابل و کنر، کامه و وایگل در نورستان که از معاونین مهم رودخانه کنر به حساب می آید، به آن کشور تعلق بگیرد؟ متاسفانه من چنین چهره ای را در میان رجال تنظیمی و احزاب اسلامی سراغ ندارم، زیرا هریک از این افراد و سر برآوردگان که مدتی را در پاکستان و یا ایران سپری کرده اند و مدعی رهبری تنظیمی بوده اند، خود در سازمان های اطلاعاتی و جاسوسی این کشورها صاحب دوسیه های بخصوصی اند، و توانایی آنرا ندارند که از منافع افغانستان در برابر حامیان خارجی خود دفاع نمایند.

معنی کلام «**توانا بود هر که دانا بود**» جز این نیست که هر که نادان تر است، ضعیف تر است و ضعیف ترها همواره پایمال توانمندان استند. هم ایران و هم پاکستان و هم ازبکستان و هم روسیه (وارث اتحاد شوروی سابق) امروز هریک نسبت به افغانستان بمراتب داناتر و تواناتر استند، و بنابراین هر وقت منافع شان اقتضاء کند، میتوانند توسط مدافعین منافع خود که امروز در دولت افغانستان عضویت و در محلات نفوذ و نیرو دارند، ثبات و امنیت عمومی را برهم زنند و مخالفین خود را برسرجایشان بنشانند. پس برای توانا شدن، داناشدن شرط است و تا رسیدن به دانائی و توانائی خواهی نخواهی منافع ملی ما فدای نیت سودجویانه همسایگان خواهد شد. شاید ثانیم قرن، شاید تا یک قرن دیگر و شاید تا تواناشدن کشور ما.

در دقایقی که این مقاله را به پایان می بردم، شماره ۸۶ ماهنامه وزین مردم، که در امریکا به همت آقای رحیم وحدت انتشار می یابد، بدستم رسید و در صفحه ۲۰ آن مطلبی زیر عنوان «جنگ بر سر آب» توجهم را جلب نمود. این موضوع که توسط داکتر غلام زکریا سعدزوی جمع آوری شده، حکایتگر اهمیت حیاتی آب در جهان میباشد. در بخشی از این مقاله آمده است: مطابق آمار سازمان صحتی جهان بیشتر از دومیلیارد انسان به کمبود آب آشامیدنی دچار استند. به اساس پیش بینی کارشناسان امریکائی، در سال ۲۰۱۵، کشورهای که به کمبود آب دچار استند بیش از نصف جمعیت جهان را تشکیل خواهند داد. آب شیرین بسرعت به کمبود منابع طبیعی افزوده، در سده بیستم مصرف آن هفت برابر افزایش یافت. در آن وقت جمعیت جهان دومین رشد خود را طی کرده بود. و این تصادفی نبود که سازمان ملل متحد، سال ۲۰۰۳ را سال بین المللی آب شیرین اعلام نمود. کمبود آب و پرابلم های ناشی از آن بصورت کل قدرت و قابلیت آنرا دارد که به ثبات جهانی لطمه زند. بنا بر یادداشت داکتر سعدزوی، برای تولید یک تن گندم هزار تن آب مصرف میگردد. یک تن کچالو به ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ تن آب ضرورت دارد و یک مقدار گوشت مرغ نیاز به ۲۵۰۰ الی ۵۷۰۰ تن آب دارد و مصرف (یکتن) گوشت گاو از ۱۵۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ تن آب ضرورت دارد.

پایان